

بررسی اثر تعدیلی حسابرسی بر رابطه بین مدیریت سود و بازده غیرعادی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدعلی جابری^۱

چکیده:

باتوجه به اهمیت سود و محتوای اطلاعاتی بالایی که سود دارد، مدیران همواره در تلاشند که در راستای اهداف خاصی که دنبال می کنند، مبلغ سود گزارش شده را دستکاری نمایند؛ و سود را به سطح مورد انتظار خود برسانند، تا از این طریق وضعیت مالی شرکت را مطلوب جلوه داده و علاوه بر بالابردن سطح پاداش خود منجر به کسب بازده غیرعادی برای سهامداران شوند.

هدف این مقاله بررسی این موضوع است که برخی متغیرهای مربوط به فرایند حسابرسی مستقل چه اثر تعدیلی بر رابطه بین مدیریت سود ناشی از دستکاری ارقام حسابداری تعهدی و بازده سهام می تواند داشته باشد. بدین منظور از اطلاعات مالی ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره مالی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. برای پاسخ به سوال اصلی تحقیق ابتدا تاثیر مدیریت سود بر بازده سهام به بوته آزمون قرار می گیرد، در ادامه سه متغیر مربوط به حسابرسی شامل: نوع موسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرسی و هزینه حسابرسی وارد مدل رگرسیون می شوند تا اثر تعدیلی آن ها بر رابطه بین مدیریت سود و بازده سهام مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج تحقیق نشان می دهد که متغیرهای حسابرسی اثر تعدیل کنندگی بالایی بر رابطه ی بین مدیریت سود و بازده سهام دارند.

واژه های کلیدی: مدیریت سود، بازده غیرعادی سهام، موسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر، هزینه حسابرسی

^۱ کارشناس ارشد حسابرسی

مقدمه:

با رشد امورتجاری و بازرگانی در دنیای امروز و تخصصی شدن اداره شرکت ها، مدیریت از مالکیت جدا شده و اداره ی شرکتها به مدیران حرفه ای و آگاه به مسائل پیچیده اقتصادی و مالی سپرده شده است. مالکان، ثروت خود را در اختیار مدیران قرار می دهند. ازطرفی مدیران نیز از طریق ارائه اطلاعات، مسئولیت پاسخگوئی در قبال عملکرد خود را ایفا می کنند. در این میان، اطلاعات حسابداری بخش عظیمی از نیازهای اطلاعاتی تصمیم گیرندگان را تأمین می سازد. در واقع حسابداری، سامانه اطلاعاتی واحدهای تجاری است که به تهیه و ارائه اطلاعات مالی می پردازد. بیشتر اطلاعات حسابداری در صورت های مالی اساسی منعکس می شود و اکثر قریب به اتفاق نیاز اطلاعاتی تصمیم گیرندگان از جمله صاحبان سرمایه، سرمایه گذاران بالقوه، اعتباردهندگان، تحلیل گران مالی و سایر استفاده کنندگان بااستفاده از صورتهای مالی تحقق می پذیرد. یکی از صورت های مالی اساسی که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد، گزارش سود و زیان می باشد. این گزارش منعکس کننده ی عملکرد واحد تجاری در یک دوره مالی است (پورحیدری و همتی، ۱۳۸۳). بنابراین سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص های عملکرد مالی شرکتها، ممکن است توسط مدیران که دارای تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی هستند، با اهداف خاصی، مدیریت شود، که به آن مدیریت سود گویند. حال با توجه به آنکه مدیران شرکتها به دنبال تأمین سیاست ها و اهداف خود هستند، از طریق کاربرد روش های گوناگون حسابداری، اقدام به دستکاری سود می کنند تا به سود مورد انتظار خود دست یابند. دو روش عمده مدیریت سود عبارتند از: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت واقعی سود. در حالت اول مدیریت از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می پردازد. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر دست کاری فعالیت های واقعی به مدیریت واقعی سود روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می یابد(دچو و اسکاینر، ۲۰۰۰).

اقدامات مربوط به مدیریت سود منجر به فاش شدن اطلاعات مالی جعلی شرکت می شود، زیرا این اطلاعات مطابق با شرایط واقعی ارائه نگردیده است. وقتی سرمایه گذاران

نتوانند میزان ریسک و بازده سرمایه گذاری خود را بطور مناسب ارزیابی کنند موجب وجود خطا در تصمیم گیری های آنان می شود. در نتیجه پی بردن به اقدامات مربوط به مدیریت سود می تواند به عنوان اطلاعات اضافی برای کاربران گزارش های مالی مفید باشد و به آنها این امکان را دهد که اقدامات احتیاطی را در زمان تحلیل اطلاعات مالی بکار گیرند (دستگیر، ۱۳۸۱). در این صورت انجام حسابرسی صورت های مالی توسط حسابرسان مستقل، فرصت گزارش های خلاف واقع و مدیریت سود را از مدیران می گیرد (چوی و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اهمیت و نیاز سرمایه گذاران، استفاده کنندگان از اطلاعات مالی، حسابرسان و نهادهای نظارتی، در این پژوهش، به بررسی اثر تعدیلی مکانیزم های حسابرسی بر رابطه بین مدیریت سود و بازده سهام می پردازیم؟

مبانی نظری پژوهش

مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت های مالی با آگاهی کامل از وضعیت مالی واحد تجاری و با برخورداری از اطلاعات بیشتر نسبت به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان به طور بالقوه سعی دارند که سطحی مورد انتظاری از سود را برای خود کسب کنند. از سوی دیگر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان از صورت های مالی، مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری به منظور ایجاد وجه نقد، زمان و قطعیت ایجاد آن است که این ارزیابی از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان های نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف پذیری مالی آسان می شود. همچنین صورت های مالی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت یا حسابداری آنها را در برابر منابعی منعکس می کند که در اختیارشان قرار گرفته است. در این میان سود حسابداری، مهمترین نقش را به منظور ارائه این اطلاعات بر عهده دارد (هاشمی و صمدی، ۱۳۸۸).

هدف اولیه از گزارش سود، تامین و ارائه اطلاعات مفید برای کسانی است که بیشترین علاقه را به گزارش های مالی دارند؛ اما تبیین هدف های مشخص تر نیز، برای درک بهتر گزارشگری سود ضرورت دارد. یکی از هدف های اساسی که با اهمیت ترین هدف از دیدگاه تمامی استفاده کنندگان گزارش های مالی محسوب می شود، ایجاد تمایز بین سرمایه

گذاری و سود (منابع و جریان ها)، به عنوان بخشی از فرآیند توصیفی حسابداری است. هدف های مشخص گزارش سود شامل موارد زیر است:

- ۱- استفاده از سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری کارآیی مدیریت
- ۲- استفاده از مبالغ تاریخی سود برای پیش بینی آینده واحد انتفاعی و توزیع آتی سود سهام

- ۳- استفاده سرمایه گذاران از سود جهت تصمیم گیری در مورد خرید سهام شرکت
- ۴- گزارش سود به عنوان ابزاری برای مدیریت جهت برنامه ریزی آینده ی شرکت (هندریکسون و ون بردا، ۱۹۹۲).

صورت سود و زیان در برگیرنده بازده حاصل از منابع تحت کنترل مدیریت واحد تجاری می باشد. محاسبه سود واحدها متأثر از روش های برآوردی حسابداری است و مسئولیت تهیه صورتهای مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است. با توجه به دسترسی مستقیم مدیران به اطلاعات و داشتن حق انتخاب روش های اختیاری حسابداری، ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت اقدام به مدیریت سود کند (پورحیدری و همتی، ۱۳۸۳).

فلسفه ی مدیریت سود، بهره گیری از انعطاف پذیری روش های استاندارد و اصول پذیرفته شده ی حسابداری می باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می توان از روش های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می باشد. این انعطاف پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف پذیر است، یکپارچگی داده های ارائه شده در صورتهای مالی کمتر می شود. اصل تطابق و فرض محافظه کاری نیز می تواند باعث مدیریت سود شود (میلر و یون، ۲۰۰۲). با استفاده از مدیریت سود، مدیریت می تواند دیدگاه سایرین نسبت به عملکرد شرکت را تغییر دهد و سبب تعبیر اشتباه قدرت سودآوری شرکت گردد، در نتیجه باعث تعیین نامناسب قیمت اوراق بدهی و سرمایه شود. هنگامی که اشتباهاتی درون شرکت کشف می شود، شرکت دیگر اطمینان بازار را به دست نخواهد آورد و این باعث کاهش شدید قیمت اوراق بدهی و سرمایه ی شرکت از یکسو و کاهش شدید بازده آتی سهامداران از سوی دیگر خواهد شد (مافورد و کومیسکی، ۲۰۰۲). اجزای تشکیل دهنده ی سود به دو

بخش نقدی و تعهدی تقسیم می شود. بخش نقدی سود کمتر مورد دستکاری مدیریت قرار می گیرد. بخش تعهدی نیز خود به دو بخش اqlام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می شود. بخش غیر اختیاری اqlام تعهدی نیز معمولاً مورد دستکاری قرار نمی گیرد، بنابراین تنها راه دستکاری سود کاهش یا افزایش اqlام تعهدی اختیاری است. با افزایش میزان اqlام تعهدی اختیاری احتمال رفتار های اختیاری (فرصت طلبانه) مدیریت افزایش می یابد و نشانه ای از قابلیت اتکای پایین سود می باشد. در بررسی های انجام شده پیرامون موضوع مدیریت سود، نظیر مطالعات (دچو و دیچو، ۲۰۰۲)؛ (واتس، ۲۰۰۳) و (ویلسون و وانگ، ۲۰۱۰) اqlام تعهدی اختیاری یعنی اqlامی که مدیریت می تواند آن را دستکاری کند، نقش مهمی در فرآیند مدیریت سود دارند.

مسئله نمایندگی و وجود تضاد منافع بین سهامداران و مدیران از یکسو و لزوم کنترل مدیریت سود فرصت طلبانه با استفاده از سیستم های نظارتی از سوی دیگر، منجر به گمارش حسابرسان مستقل برای اطمینان بخشی بیشتر می گردد (ویلد، ۱۹۹۶؛ دیچو و همکاران، ۱۹۹۶).

به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورتهای مالی و همچنین ارائه قضاوت های مستقل و حرفه ای در رابطه با پایدار بودن این گزارش ها است. بدین ترتیب حسابرسی مستقل یکی از مکانیزم های کنترل مدیریت می باشد تا اینکه مدیریت مجبور شود اطلاعات مالی موثق، قابل اطمینان و بدون هرگونه تقلب را ارائه دهد. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه ایی خود و اجتناب از طرح دعاوی قضایی علیه شان، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می شوند. در مقابل حسابرسان می توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند (جی آ او و کلینگ، ۲۰۱۲).

با توجه به مطالب ذکر شده، در این تحقیق به منظور بررسی اثر تعدیلی حسابرسی مستقل بر رابطه بین مدیریت سود و بازده سهامداران از سه شاخصه بارز حسابرسی مستقل یعنی نوع موسسه حسابرسی، هزینه حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرسی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

قربانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت واقعی سود بر بازده غیرعادی سهام پرداخته که نتایج پژوهش آنها بیانگر آن است که بین مدیریت واقعی سود و بازده غیرعادی آتی به عنوان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نمازی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی دریافتند که بین مدیریت سود و اندازه حسابرسی، یک رابطه مثبت ولی غیر معنی دار و همچنین بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهش آنها برای تعیین معنی داری کل مدل رگرسیونی از آماره ضریب تعیین مک فادن^۱ و آماره نسبت درست نمایی^۲ استفاده شده بود. حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی"، به بررسی کیفیت حسابرسی پرداختند که نتیجه آن تعیین ۷ عامل مؤثر زیر جهت ارتقای کیفیت حسابرسی می باشد: (۱) تخصص گرای، (۲) کارایی حسابرسی، (۳) کشف تحریفات با اهمیت، (۴) تضاد منافع، (۵) وجود قوانین و مقررات، (۶) مکانیزم بازار و (۷) اندازه مؤسسات حسابرسی.

مجتهد زاده و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، ۲۴ عامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی را شناسایی کرده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- بازدید حسابرسان مستقل شریک و مدیر ارشد از مراحل کار حسابرسی، ۲- داشتن اطلاعات کافی در مورد صنعت

¹ McFadden determination coefficient

² Likelihood Ratio

صاحبکار،
۳- اهمیت حق الزحمه حسابرسی برای مؤسسه حسابرسی و ۴- نوع
مؤسسه حسابرسی

پژوهش‌های خارجی

جی آ او و کلینگ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان تاثیر مکانیزم های راهبری شرکتی و حسابرسی مستقل بر بهبود کیفیت افشای شرکتها دریافتند که هزینه بالای حسابرسی رابطه مثبت معناداری با بهبود کیفیت افشا دارد. آنها در این تحقیق بیان می کنند که بهبود کیفیت افشاء از طریق اجرای صحیح استانداردهای حسابداری و رعایت قوانین امکان پذیر است. لذا امکان تحریف و اشتباه و مدیریت سود که نمونه بارز آن است نیز در این شرایط کاهش می یابد.

پری یرا (۲۰۰۹) طی پژوهشی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کیفیت اطلاعات حسابداری و نوع اظهارنظر حسابرسان مستقل را مورد ارزیابی قرار داد. در این تحقیق از مدل لاجیت برای بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیتی همچون استفاده از خدمات حسابرسی ۴ مؤسسه بزرگ و ارائه اظهار نظر مقبول توسط حسابرسان مستقل استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی یافته ها نشان داد که ویژگی های غالب برای شرکتهایی که حسابرسان از اظهارنظر مشروط برای بیان مطلوبیت صورتهای مالی آن ها استفاده کرده بودند، عبارت اند از: اعضای هیات مدیره فاقد تخصص مالی، استفاده از خدمات حسابرسان مستقلی غیر از ۴ مؤسسه بزرگ حسابرسی و داشتن دعاوی حقوقی. ازسوی دیگر مهمترین عاملی که منجر به صدور اظهارنظر مردود ازسوی حسابرسان گردیده است تحریفات با اهمیت از جمله مدیریت عامدانه سود می باشد.

چانگ و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین کیفیت و شهرت حسابرسان را با تصمیمات مالی در شرکت ها مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن است که کیفیت و شهرت حسابرسان بر تصمیمات مالی شرکتها تأثیر دارد و کیفیت بالای حسابرسی از تأثیر شرایط بازار بر تصمیمات مالی شرکتهاى مورد نظر و نیز ساختار سرمایه آنها می کاهد.

ماهاجان و چاندر (۲۰۰۸) در بررسی عوامل تاثیر گذار بر افشای به موقع سود دریافتند که اندازه شرکت، نوع صنعت، سود آوری و نوع موسسه حسابرسی از عوامل مهم در افشای به موقع اطلاعات مربوط به سود هستند. آنها همچنین دریافتند که این افشاء به موقع می تواند دست مدیران را در مدیریت سود بسته نگه دارد.

چن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان "کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکتهای درگیر در عرضه عمومی سهام تایوان"، با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکتهای حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکتهایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرسی شده اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکتهایی مدیریت سود رخ می دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معنی داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکتها می شود.

مایرز و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی گری حسابرس موجب شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار مربوطه می شود و هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد کیفیت و پایداری سود هم بیشتر و مدیریت آن کاهش می یابد.

بکر و همکاران (۱۹۹۸) و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش های خود به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود پرداختند. آن ها دریافتند که چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی، خدمات حسابرسی با کیفیتی فراهم می کنند که اعتبار و آگاهی بخشی صورتهای مالی را افزایش می دهند. همچنین بالا بودن کیفیت حسابرسی با کاهش مدیریت سود از یک سو و کاهش بازده غیرعادی از سوی دیگر همراه است.

اسلوان و همکاران (۱۹۹۵) در پژوهشی، ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مواردی همچون انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری و احتمال وقوع تقلب و سوء جریان که منجر به انتشار گزارش حسابرسی غیر از گزارش مقبول می شوند، را مورد بررسی قرار دادند.

آنها پی بردند، در شرکت‌هایی که انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری داشته و سود را بیش از مقدار واقعی گزارش می کنند، احتمال اینکه مدیران داخلی بر هیات مدیره مسلط باشند و مدیرعامل و رئیس هیات مدیره یکنفر باشد، بیشتر و احتمال وجود کمیته حسابرسی و سهامداران عمده برون سازمانی کمتر است.

دی آنجلو (۱۹۸۱) در تحقیقی تحت عنوان اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی دریافت که موسسات حسابرسی بزرگ و مشهور خدمات متنوع و باکیفیت تری ارائه می نمایند که این می تواند فرایند حسابرسی با کیفیت تری را به دنبال داشته باشد و نهایتاً به ارائه اطلاعات با کیفیت و شفاف منجر شود. همچنین گزارش مالی با کیفیت موجب اطمینان خاطر اعتبار دهندگان در تصمیم گیری و کاهش ریسک اطلاعاتی آنها می شود.

فرضیه های پژوهش

مدیریت سود با هدف بیش نمایی آن منجر به مطلوب جلوه دادن شرایط شرکت در بازار سرمایه و اذهان عمومی از یکسو، و افزایش غیر عادی قیمت سهام ازسوی دیگر می شود. در این تحقیق متغیرهایی همچون نوع موسسه حسابرسی، نوع اظهار نظر و هزینه حسابرسی به عنوان متغیرهای مربوط به حسابرسی مستقل در نظر گرفته شده اند تا از این طریق به این سوال پاسخ دهیم که آیا فرایند حسابرسی مستقل می تواند رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش دهد. بر این اساس فرضیه های تحقیق به شرح زیر بیان می شود:

- بین مدیریت سود و کسب بازده غیرعادی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد.
- هزینه حسابرسی بالا رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می دهد.
- اظهار نظر غیرمقبول حسابرس رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را افزایش می دهد.
- نوع موسسه حسابرسی رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می دهد.

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه آماری

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی و همبستگی – رگرسیونی است. روش شناسی از نوع پس رویدادی است.

در این پژوهش، نمونه گیری با استفاده از روش حذف سیستماتیک انجام شده است. لذا نمونه انتخابی شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ که واجد شرایط زیر باشند:

- شرکت مورد نظر در دوره مورد پژوهش جزء شرکت های فعال در بورس باشد .
 - به جهت همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، دوره مالی آن منتهی به ۲۹ اسفند باشد .
 - شرکت ها طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد مبادله قرار گرفته باشد.
 - بانکها و شرکت های بیمه ایی از نمونه حذف می شوند.
 - شرکت هایی انتخاب می شوند که داده های مورد نظر آنها طی دوره مورد رسیدگی در دسترس باشند.
- با توجه به شرایط و محدودیت های فوق، از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۷۲ شرکت انتخاب شدند.

روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق جهت گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و صورت‌های مالی شرکت‌ها استفاده شده است که دستیابی به این اطلاعات از طریق پایگاه اینترنتی "سازمان بورس اوراق بهادار" و بانک اطلاعاتی "تدبیر پرداز" میسر می‌باشد. همچنین جهت محاسبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Excel، Stata12 و Eviews7 استفاده می‌شود.

متغیرها و مدل پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه ها از مدل تعدیلی به کار گرفته شده در پژوهش روزنبوم و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است. گام های لازم جهت آزمون فرضیات مطرح شده به شرح زیر است.

گام ۱: محاسبه جمع اقلام تعهدی از طریق مدل تعدیل شده کوتاری و همکاران^۱ (۲۰۰۵):
مدل (۱):

$$\frac{TACC_{i,t}}{ASSETS_{i,t-1}} = \frac{\Delta(CA_{i,t} - CASH_{i,t})}{ASSETS_{i,t-1}} - \frac{\Delta(CL_{i,t} - CPLD_{i,t})}{ASSETS_{i,t-1}} - \frac{DEP_{i,t}}{ASSETS_{i,t-1}}$$

$TACC_{i,t}$: اقلام تعهدی کل شرکت i در سال t .

$\Delta(CA_{i,t} - CASH_{i,t})$: تغییر در دارایی های جاری به جز وجه نقد شرکت i در سال t .

$\Delta(CL_{i,t} - CPLD_{i,t})$: تغییر در بدهی های جاری به جز حصه جاری بدهی های بلندمدت شرکت i در سال t .

$DEP_{i,t}$: هزینه استهلاک شرکت i در سال t .

$ASSETS_{i,t-1}$: دارایی های کل در ابتدای دوره شرکت i در سال t .

گام ۲: جایگذاری مبلغ محاسبه شده اقلام تعهدی کل گام یک به جای اقلام تعهدی کل در مدل تعدیل شده جونز بر مبنای عملکرد (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵)، و برآورد ضرایب و جزء خطای پیش بینی.

مدل (۲):

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1(1/ASSETS_{i,t-1}) + \beta_2((\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t})/ASSETS_{i,t-1}) + \beta_3PPE_{i,t}/ASSETS_{i,t-1} + \beta_4ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$TACC_{i,t}$: اقلام تعهدی کل شرکت i در سال t .

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش شرکت i در سال t .

¹ Kothari et al

$\Delta R_{i,t}$: تغییرات حساب‌های دریافتنی شرکت i در سال t .

$PPE_{i,t}$: دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در سال t .

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌های شرکت i در سال t ، که با تقسیم سود قبل از ارقام غیرمترقبه بر

میانگین دارایی‌ها شرکت i در سال t محاسبه می‌گردد.

$\beta_0, \beta_1, \dots, \beta_k$: پارامترهای مدل رگرسیون

$\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای پیش بینی

گام ۳: محاسبه ارقام تعهدی غیرعادی؛

مبلغ جزء خطای برآورد ($\varepsilon_{i,t}$) که تفاوت مدل های (۱) و (۲) است به عنوان ارقام تعهدی غیرعادی ($DCA_{i,t}$) محسوب می شود.

گام ۴: محاسبه بازده واقعی سهام؛

مدل (۳):

$$R_{i,t} = \frac{(1 + \alpha)P_{i,t} - P_{i,t-1} - \alpha\beta + (1 + \alpha)D_{i,t}}{P_{i,t-1} + \alpha\beta}$$

$R_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در طول ۱۲ ماه در دوره t می باشد که با استفاده از قیمت بازار سهام شرکت در اول و آخر هر دوره و نیز منافع مالکیت سهامدار در آن دوره، به صورت ماهانه می‌باشد و در آن:

$P_{i,t}$: قیمت سهم شرکت i در دوره t

$P_{i,t-1}$: قیمت سهم شرکت i در دوره $t-1$

$D_{i,t}$: سود نقدی هر سهم شرکت i در دوره t

α : درصد سهام جایزه شرکت i

β : مبلغ اسمی هر سهم شرکت i

گام ۵: محاسبه بازده پیش بینی شده: بازده پیش بینی شده سهام با استفاده از مدل تنظیم بازار بدست می آید. در این مدل آمده است که بهترین تخمین جهت تخمین بازده یک تعهد

برابر است با بازده شاخص بازار (بازده بورس) در آن زمان. با استفاده از این مدل دیگر نیازی نیست که از دوره تخمینی جهت تخمین بازده تعهد استفاده کرد، زیرا که تخمین بازده تعهد با بازده شاخص بازار برابر است.

مدل (۴):

$$R_{m,t} = \frac{I_{m,t} - I_{m,t-1}}{I_{m,t-1}}$$

که در آن $RM_{i,t}$ معرف نرخ بازده بازار (بورس) در طول ۱۲ ماه در دوره t ، $I_{m,t}$ به عنوان شاخص بورس در انتهای دوره t و $I_{m,t-1}$ به عنوان شاخص بورس در ابتدای دوره t است. گام ۶: محاسبه بازده غیرعادی سهام؛

اختلاف بین بازده واقعی و بازدهی پیش بینی شده سهام که تفاوت مدل های (۳) و (۴) است به عنوان بازده غیرعادی ($AR_{i,t}$) محسوب می شود.

مدل (۵):

$$AR_{i,t} = R_{i,t} - RM_{i,t}$$

با توجه به گام های مطرح شده فوق، جهت بررسی فرضیه اول که حاکی از تاثیر مدیریت سود بر بازده غیرعادی سهام می باشد، از مدل (۶) و به منظور بررسی فرضیه های دوم الی چهارم که حاکی از تاثیری تعدیلی متغیرهای حسابرسی بر رابطه فوق می باشد، از مدل (۷) استفاده شده است.

مدل (۶):

$$AR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DCA_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۷):

$$AR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DCA_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 leverage_{i,t} + \beta_4 audit\ cost_{i,t} + \beta_5 opinion_{i,t} + \beta_6 big\ four_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $AR_{i,t}$ معرف بازده غیرعادی و به عنوان متغیر وابسته و $DCA_{i,t}$ معرف اقلام تعهدی غیرعادی و به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. متغیرهای کنترلی به شرح زیر است:

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t (لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها).

$leverage_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t (نسبت بدهی ها به دارایی ها).

متغیرهای تعدیلی در این پژوهش به شرح زیر است:

$audit\ cost_{i,t}$: هزینه حسابرسی مستقل صورت های مالی سالانه شرکت i در سال t به میلیون ریال.

$opinion_{i,t}$: نوع اظهارنظر حسابرسی شرکت i در سال t (در صورتی که گزارش حسابرس مستقل غیر مقبول باشد متغیر مربوطه در معادله رگرسیون یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود).

$big\ four_{i,t}$: نوع موسسه حسابرسی شرکت i در سال t (اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد متغیر مربوطه در معادله رگرسیون یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود).

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

هدف از این قسمت، ارائه داده های آماری معرف ویژگیهای متغیرهای مورد مطالعه در میان شرکتهای نمونه است. در جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرها نشان داده شده است. بر اساس جدول فوق می توان اظهار داشت که به طور متوسط ۳۴٪ از شرکت ها نمونه، حسابرسی خود را به سازمان حسابرسی ۶۶٪ مابقی به سایر موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی واگذار کرده اند. همچنین به طور میانگین ۵۹٪ از شرکتهای نمونه، پذیرفته شده در بورس اظهارنظر مقبول و ۴۱٪ آنها اظهار نظر غیر مقبول دریافت کرده اند. متوسط هزینه حسابرسی بین سال های ۸۲ تا ۹۲ حدود ۳۸۲ میلیون ریال است و بیشترین

حق الزحمه طی این سال‌ها ۵۴۹۶ میلیون ریال می‌باشد که مربوط به سازمان حسابرسی است.

جدول شماره (۱): نتایج آمار توصیفی

نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
بخش اول: متغیر وابسته					
بازده غیرعادی ($AR_{i,t}$)	۰/۱۰۶۲	-۰/۰۲۳۳	۰/۹۵۴۴	۷/۰۰۶۰	-۱/۷۲۱۰
بخش دوم: متغیرهای کنترلی					
اندازه شرکت ($SIZE_{i,t}$)	۵/۷۸۲۸	۵/۶۷۲۱	۰/۶۵۳۵	۸/۰۰۷۳	۴/۴۳۴۵
اهرم مالی ($leverage_{i,t}$)	۰/۶۵۳۲	۰/۶۵۵۵	۰/۱۶۹۹	۱/۲۹۲۶	۰/۱۱۸۴
بخش سوم: متغیر مستقل					
اقدام تعهدی غیرعادی ($DCA_{i,t}$)	-۲/۴۸۰۲	-۰/۰۰۱۲	۰/۱۵۷۹	۱/۳۲۵۶	-۰/۹۶۸۱
بخش چهارم: متغیرهای تعدیلی					
هزینه های حسابرسی ($audit\ cost_{i,t}$) *	۳۸۱/۸۹۷۲	۲۷۹	۴۲۰/۶۵۶۸	۵۴۹۶	۵۲
نوع اظهارنظر ($opinion_{i,t}$)	۰/۵۸۸۷۵	۱	۰/۴۹۲۶	۱	۰
اندازه موسسه ($big\ four_{i,t}$)	۰/۳۳۷۵	۰	۰/۴۷۳۲	۱	۰

(*) : ارقام هزینه های حسابرسی به میلیون ریال)

آزمون های انتخاب نوع مدل

برای برای انتخاب مدل مناسب از بین روش داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. خلاصه نتایج این آزمون در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدا)

مدل انتخابی	نتیجه آزمون	p-value	آماره F	مدل های تحقیق	فرضیه صفر (H0)
تلفیقی	H0 رد نمی شود	۰/۹۹۹۸	۰/۴۹۵۱	فرضیه اول	$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = 0$
تلفیقی	H0 رد نمی شود	۰/۹۹۹۸	۰/۴۹۷۳	فرضیه دوم	
تلفیقی	H0 رد نمی شود	۰/۹۹۹۹	۰/۴۸۹۹	فرضیه سوم	
تلفیقی	H0 رد نمی شود	۰/۹۹۹۳	۰/۵۳۴۸	فرضیه چهارم	

آزمون فرضیه ها

در فرضیه اول بیان می شود که مدیریت سود، بر بازده غیر عادی تاثیر مثبت دارد. در این صورت اگر ضریب برآوردی β_1 در مدل (۶) مثبت و معنادار باشد، فرضیه اول رد نمی شود.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری *
C	۰/۰۲۳۲	۰/۰۰۷۳	۳/۱۷۷۲	۰/۰۰۱۵
β_1	۰/۲۳۱۴	۰/۰۱۹۴	۱۱/۹۰۲۷	۰/۰۰۸۹
β_2	۰/۰۶۷۴	۰/۰۳۰۵	۲/۲۰۶۹	۰/۰۲۷۶
β_3	-۰/۲۷۲۳	۰/۱۲۷۳	-۲/۱۳۹۰	۰/۰۳۲۸
آماره F (احتمال)	۳/۷۶۵۶ (۰/۰۱۰۶)		ضریب تعیین	۰/۲۲۰۹
آماره دوربین واتسن	۲/۰۰۷۰		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۱۲۳

(*) معناداری در سطح ۵ درصد را نشان می دهد)

همانگونه که در جدول شماره (۳) مشاهده می شود آماره t و سطح معناداری برای متغیر اقلام تعهدی غیرعادی به ترتیب برابر با ۱۱/۹۰۲۷ و ۰/۰۰۰۰ می باشد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش، مبنی بر وجود رابطه مثبت بین مدیریت سود و کسب بازده غیرعادی، را نمی توان رد کرد.

پس از تشخیص وجود رابطه بین مدیریت سود و بازده غیرعادی، فرضیه های دوم الی چهارم مورد آزمون قرار گرفته است. به این صورت که با ورود متغیر های مربوط به حسابرسی مستقل، یافته های موجود مربوط به ضریب برآوردی β_1 در مدل (۷) نسبت به همان ضریب در مدل (۶) مورد مقایسه قرار می گیرد.

در فرضیه دوم بیان می شود که هزینه حسابرسی بالا، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می دهد. باتوجه به نتایج جدول شماره (۴) آماره t و سطح معناداری برای متغیر اقلام تعهدی غیرعادی به ترتیب برابر با ۰/۴۲۵۲ و ۰/۰۴۵۸ می باشد. با توجه به افزایش این آماره و غیر معنادار شدن ضریب متغیر هزینه حسابرسی، فرضیه دوم پژوهش رد می شود.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری *
C	۰/۰۶۹۵	۰/۰۳۳۰	۲/۱۰۷۶	۰/۰۳۵۴
β_1	۰/۴۲۵۲	۰/۲۳۹۴	۱/۷۷۶۱	۰/۰۴۵۸
β_2	۰/۰۶۹۵	۰/۰۳۲۹	۲/۱۰۷۶	۰/۰۳۵۴
β_3	-۰/۰۰۸۴	۰/۰۴۶۸	-۰/۱۷۹۰	۰/۸۵۸۰
β_4	-۰/۱۴۹۵	۰/۱۹۹۴	-۰/۷۴۹۷	۰/۴۵۳۷
آماره F (احتمال)	۲/۸۳۰۹ (۰/۰۲۳۹)		ضریب تعیین	۰/۱۵۵۹
آماره دوربین واتسن	۲/۰۰۷۱		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۰۰۸

(*) معناداری در سطح ۵ درصد را نشان می دهد)

در فرضیه سوم بیان می‌شود که اظهارنظر مقبول حسابرِس، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می‌دهد. همانگونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود آماره t و سطح معناداری برای متغیر اقلام تعهدی غیرعادی به ترتیب برابر با ۰/۱۲۷۶ و ۰/۳۱۵۷ می‌باشد. با توجه به غیر معنادار شدن این ضریب، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری *
C	۰/۰۶۸۷	۰/۰۳۰۲	۲/۲۷۴۷	۰/۰۲۳۲
β_1	۰/۱۲۰۷	۰/۱۲۴۹	۰/۹۶۶۵	۰/۳۳۴۱
β_2	۰/۰۴۲۱	۰/۰۳۹۰	۱/۰۸۱۰	۰/۲۸۰۱
β_3	-۰/۲۵۰۰	۰/۱۲۵۹	-۱/۹۸۵۶	۰/۰۴۷۵
β_5	-۰/۰۹۶۸	۰/۰۴۴۱	-۲/۱۹۳۵	۰/۰۲۸۶
آماره F (احتمال)	۴/۰۲۵۷ (۰/۰۰۳۱)		ضریب تعیین	۰/۲۲۰۳
آماره دوربین واتسن	۲/۰۰۶۳		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۶۵۵

(*) معناداری در سطح ۵ درصد را نشان می‌دهد)

در فرضیه چهارم بیان می‌شود که نوع موسسه حسابرِس (سازمان حسابرِس)، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می‌دهد. همانگونه که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود آماره t و سطح معناداری برای متغیر اقلام تعهدی غیرعادی به ترتیب برابر با ۰/۰۷۵۲ - و ۰/۰۰۰۶ می‌باشد. با توجه به منفی شدن این ضریب، فرضیه چهارم پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری *
C	۰/۰۲۲۵	۰/۰۰۷۵	۲/۹۹۵۸	۰/۰۳۲۸
β_1	-۰/۰۷۵۲	۰/۰۲۱۷	-۳/۴۵۵۳	۰/۰۲۰۶
β_2	۰/۰۹۴۴	۰/۰۵۴۶	۱/۷۲۷۷	۰/۰۸۴۵
β_3	-۰/۳۱۸۶	۰/۲۲۳۶	-۱/۴۲۴۶	۰/۱۵۴۷
β_6	-۰/۳۵۸۶	۰/۱۲۷۷	-۲/۸۰۸۱	۰/۰۱۵۱
آماره F (احتمال)	۲/۷۴۰۱ (۰/۰۲۷۸)		ضریب تعیین	۰/۲۴۰۳
آماره دوربین واتسن	۲/۰۰۷۶		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۲۸۳

(*) معناداری در سطح ۵ درصد را نشان می دهد)

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی اثرتعدیلی برخی متغیرهای مربوط به حسابرسی مستقل بر رابطه بین مدیریت سود و بازده غیرعادی پرداخته است. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که برخی متغیرهای کلیدی مربوط به حسابرسی مستقل می تواند چه اثرتعدیلی بر رابطه بین مدیریت سود و بازده غیرعادی داشته باشد؟

مطابق با نتایج آزمون فرضیه اول، بین مدیریت سود و کسب بازده غیرعادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنا که مدیریت سود با هدف بیش نمایی آن منجر به مطلوب جلوه دادن شرایط شرکت در بازار سرمایه و سرمایه گذاران از یکسو، و افزایش غیر عادی قیمت سهام ازسوی دیگر می شود. نتایج تحقیق حاضر باتحقیق صورت گرفته توسط قربانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو نبوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از این موضوع است هزینه حسابرسی بالا، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را افزایش می دهد، درنتیجه فرضیه تحقیق رد می

شود. نتیجه این فرضیه بدین صورت قابل تحلیل است که موسسات حسابرسی که حق الزحمه بالایی دریافت می کنند برای ادامه همکاری با واحد مورد رسیدگی و از دست ندادن درآمد خود بیشتر با شرکت مورد رسیدگی سازش می کنند. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق صورت گرفته توسط جی آ او و کلینگ (۲۰۱۲) همسو نمی باشد.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می دهد اظهار نظر مقبول حسابرس، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می دهد. به این معنا که شرکت هایی که اظهار نظر مقبول دریافت نموده اند میزان مدیریت سود در صورتهای مالی آن ها کمتر است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پری یرا (۲۰۰۹) همسو است. آنها دریافتند که شرکت به منظور دریافت یک اظهار نظر مقبول ملزم به رعایت اصول و استانداردهای حسابداری می باشد که این موضوع دست آن ها را در اعمال تحریف از جمله مدیریت سود بسته نگه می دارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد نوع موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی)، رابطه مثبت بین مدیریت سود و بازده غیرعادی را کاهش می دهد، به این معنا که شرکت هایی که حسابرس آن سازمان حسابرسی بود در مقایسه با سایر شرکت ها میزان تحریف و مدیریت سود کمتری داشته اند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات تندلو و وانسترایلن (۲۰۰۸) بکر و همکاران (۱۹۹۸) و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۹) همسو است. آن هادر پژوهش های خود به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که چهار مؤسسه بزرگ بین المللی حسابرسی، خدمات حسابرسی با کیفیتی فراهم می کنند که اعتبار و آگاهی بخشی صورتهای مالی را افزایش می دهند. همچنین در مواردی غیر از عرضه اولیه سهام، بالا بودن کیفیت حسابرسی با کاهش مدیریت سود از یک سو و کاهش بازده غیرعادی از سوی دیگر همراه است.

پیشنهاد های مبتنی بر یافته های پژوهش

با توجه به یافته های تحقیق پیشنهاد های زیر ارائه می گردد:

- شرکت‌های بزرگ که تأثیر مستقیم و بسزایی در رشد اقتصادی کشور دارند توسط موسسات حسابرسی بزرگ مورد حسابرسی و بازرسی قرار گیرند.
- پیشنهاد می‌گردد که بورس اوراق بهادار با توجه به صورت‌های مالی شرکت‌ها، چارچوب و آیین‌نامه‌ای برای تعیین حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی تدوین نموده و به سازمان حسابرسی و موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ابلاغ نماید.

پیشنهاد‌هایی به سایر پژوهشگران

- پیشنهاد می‌گردد اثر تعدیلی سایر متغیرها از جمله دوره تصدیگری و تخصص حسابرس نیز مورد آزمون تجربی قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. پورحیدری، امید، همتی، داود. (۱۳۸۳). "بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود". **فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۱، شماره ۳۶، صص ۴۷-۶۴.
۲. حساس یگانه، یحیی، جعفری، علی. (۱۳۸۴). "عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی". **فصلنامه مطالعات حسابداری**، دوره ۹، شماره ۱۰، صص ۷۱-۹۴.
۳. دستگیر، محسن. (۱۳۸۱). "حسابداری ساختگی و رسوایی‌های مالی شرکت‌های آمریکایی". **حسابدار**، دوره ۱۷، شماره ۱۵۰، صص ۱۶-۲۰.
۴. قربانی، سعید، جوان، علی اکبر، ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۰). "تأثیر مدیریت سود واقعی بر جریان‌های نقدی عملیاتی آتی". **فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۶۰-۱۳۳.
۵. مجتهدزاده، ویدا، آقایی، پروین. (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان". **فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۶.

۶. نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود". **مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، دوره ۳، شماره ۹، صص ۴-۲۱.
۷. هاشمی، سیدعباس، صمدی، ولی الله. (۱۳۸۸). "آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن". **مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۴۸.

8. Becker, C. L., Defond, M. L., Jiambalvo, J., & Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. **Contemporary Accounting Research**, Vol. 15 No. 5, pp. 1-24.
9. Chang, X., Dasgupta, S., & Hilary, G. (2009). The Effect of Auditor Quality on Financing Decisions. **The Accounting Review**, Vol. 84 No. 4, pp. 1085-1117.
10. Chen, K. Y., Lin, K. L., & Zhou, J. (2005). Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms, **Managerial Accounting Journal**, Vol. 20, No. 1, 86-104.
11. Choi, J. H., Kim, J. B., & Zang, Y. (2010). Do abnormally high audit fees impair audit quality?. **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, Vol. 29, No. 2, 115-140.
12. De Angelo, L. E. (1981). Auditor size audit quality. **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 3 No. 3, pp. 183-189.
13. Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, **The Accounting Review**. Vol. 77, No. 1, 35-59.
14. Dechow, P. M., & Skinner, D. J. (2000). Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. **Accounting Horizons**, Vol. 14, No. 2, 235-250.
15. Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1996). Causes and consequences of earnings manipulation: An analysis of firms

- subject to enforcement actions by the sec*. **Contemporary accounting research**, Vol. 13, No. 1, 1-36.
16. Francis, J. R.; Maydew, E. L. & Sparks, H. C. (1999). The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals, **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, Vol. 18 ,No. 2, 17–34.
 17. Gao, L., & Kling, G. (2012). The impact of corporate governance and external audit on compliance to mandatory disclosure requirements in China. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, Vol. 21 No. 1, pp. 17-31.
 18. Hendriksen, E. S, and Vanberda, M. F. (1992). Accounting Theory. 5th ed. **Boston, mass: McGraw-Hill/Irwin**.
 19. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. **Journal of accounting and economics**, Vol. 39, No. 1, 163-197.
 20. Mahajan, P., & Chander, S. (2008). Timeliness of Corporate Disclosure, An Evidence from Indian Companies Decision. **Economic Research Journa**, Vol. 35 No. 2, pp. 156-187.
 21. Miller, G. A., & Yoon, S. S. (2002). Cash from operations and earnings management in Korea. **The International Journal of Accounting**, Vol. 37, No. 4, 395-412.
 22. Mulford, C. W., & Comiskey, E. E. (2011). **The financial numbers game: detecting creative accounting practices**. John Wiley & Sons.
 23. Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?, **The Accounting Review**, Vol. 78, No. 3, 779–799.
 24. Pereira, A. N. (2009). corporate governance and quality of Accounting Information: The Relation of content and logit betwing fiscal board and independent auditor opinion in brazilian companies listed at BOVESPA(2006). **Available at SSRN 1415522**.

25. Roosenboom, P., van der Goot, T., & Mertens, G. (2003). Earnings management and initial public offerings: evidence from the Netherlands. **The International Journal of Accounting**, Vol. 38, No. 3, 243-266.
26. Sloan, R. G., Dechow, P. M., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. **Accounting Review**, Vol. 70 No. 2, pp. 193-225.
27. Tendello, B. & Vanstraelen, A. (2008). Earnings management and audit quality in Europe: Evidence from the private client segment market, **European Accounting Review**, Vol. 17, No. 3, 447-469.
28. Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. **Accounting Horizons**, Vol. 17, No. 3, 207-222.
29. Wild, J. J. (1996). The audit committee and earnings quality. **Journal of Accounting, Auditing & Finance**. Vol. 11, No. 2, 247-276.
30. Wilson, M., & Wang, L. W. (2010). Earnings management following chief executive officer changes: the effect of contemporaneous chairperson and chief financial officer appointments. **Accounting & Finance**, Vol. 50, No. 2, 447-480.